



از نگاه دوست

حتی یک عکس پیدا نکردیم!



سعید جلیلی

عضو
مجمع تشخیص
مصلحت نظام

آقای خالدي در تمام عمرشان به دور از تشریفات و خودنمایی بودند. ما در کشور در کنار نارساهایی که وجود دارد و موجب دوری از اندیشه انقلاب اسلامی است، اما صحبت از پیشرفت کشور هم فراوان می‌شود که در این چهل و چند سال کشور توانسته پیشرفت‌های ارزشمندی در عرصه‌های مختلف داشته باشد.

شما اگر در دفاع مقدس توانستید موفقیتی به دست آورید، به دلیل توپ و تانک بیشتر نبود بلکه به نرم‌افزار و نگاه دیگری به اسم تفکر بسیجی است که ظهور و بروز پیدا می‌کرد.

خیلی از بحث‌هایی که در این کتاب به تصویر کشیده شده، بسیار اهمیت دارد. ما گاهی اوقات، برخی فضایل و ویژگی‌های خوب یک مدیر را بیان می‌کنیم و همراهش بعضاً این‌گونه القا می‌شود که این چیزها خوب است اما عوارضی هم دارد یعنی اگر مثلاً بگویید فلانی در تمام طول دوران مدیریت فردی کارآمد و بی‌ادعا بوده، این بی‌ادعا بودن بعضاً به این متبادر می‌شود که آدم منفعلی است. نه، اتفاقاً آن چیزی که اهمیت دارد در سیره مدیریتی و رفتاری مرحوم آقای خالدي هست که در عین بی‌ادعا بودن هیچ‌گاه منفعل نبود.

موقعی که ما از آقای خالدي خواهش کردیم به عنوان معاونت اقتصادی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی خدمتشان باشیم، دوستان روابط عمومی می‌گفتند ما یک عکس از ایشان پیدا نکردیم که اعلام کنیم، ایشان هم عکس نمی‌دهد گفتیم در اینترنت جست و جو کنید بالاخره ایشان سال‌ها معاون وزیر و در سازمان‌هایی بودند که به هر حال بسیار در معرض رسانه‌ها هستند، دوستان می‌گفتند ما هر چه گشتیم حتی یک عکس از ایشان پیدا نکردیم، کسی که سال‌ها در مسئولیت‌های مختلف بوده است، این یک ویژگی است که کسی این قدر خودش را نبیند، کارهای بسیار مهمی را عهده‌دار شود.

خاطرم هست یک بار ایشان کاری را دنبال می‌کردند. یکی گفت به این گزارش‌ها اکتفا نکنید! گفتیم نه این دقیق است. چون آقای خالدي دیگر نگاه نمی‌کرد که من فلان مسئولیت را دارم، اگر بخواهم این را پیگیری کنم به شأن من برمی‌خورد نه مثل یک کارمند ساده، تا انتهای فرآیند را دنبال می‌کرد و نتیجه را به دست می‌آورد.

امثال محروم خالدي و تکثیر چنین شخصیت‌هایی نیاز امروز مسیر پیشرفت کشور به سوی قله‌هاست، این را همه به آن اذعان داریم که انقلاب اسلامی به حداقل‌ها اکتفا نمی‌کند و به قله‌ها نگاه می‌کند. رسیدن به آن قله‌ها هم نیازمند افرادی است که بتوانند آن قله را بشناسند و این توانایی را داشته باشند که به آن برسند.

مرحوم آقای دکتر خالدي چنین شخصیتی بود، در هر جا که بود این امید را ایجاد می‌کرد که حرکت به سمت آن قله شتاب خواهد گرفت. این کتاب از این جنبه به نظرم بسیار ارزشمند است و بسیار ضرورت دارد که مرحوم خالدي به دور از کارهای تشریفاتی که نمی‌پسندید معرفی شود.



به میزبانی خانه اندیشه‌ورزان، «جولان جوانمرد» رونمایی شد

چرا آقای خالدي معاون رئیس جمهور نشد؟!



خالدي در سازمان حمایت از تولیدکنندگان و از روایان کتاب در سخنانی اظهار داشت: به عنوان شاگرد کوچک آقای دکتر خالدي، از ایشان یاد گرفتیم که از عکس و میکروفن و اینها فراری باشیم. در آن مقطع زمانی که قرار بود ایشان وزیر بازرگانی شوند، یک لابی مقصد و فاسد اجازه نداد ایشان وزیر شود، این وظیفه شورای عالی امنیت ملی هست که این را پیگیری کند یا نه؟ اگر ایشان وزیر بازرگانی شده بود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ این شبکه توزیع بیمار و فاسدی که الان داریم، آیا اصلاح می‌شد یا نه؟ همه می‌دانستند که اگر ایشان وزیر بازرگانی بشود، خیلی چیزها به هم خواهد ریخت. ایشان سازمان بازرسی و نظارت را با ۱۲-۱۰ نفر راه انداخت. در همان مقطع هم اجازه نمی‌دادند کار کند. در سازمان بازرسی که تازه به دوران بلوغ سازمان رسید که ایشان را تغییر دادند، در سازمان حمایت، ایشان دو سال و نیم زحمت کشید، مطالبات معوق را پیگیری کرد و بعد به دلیل همین پیگیری‌ها دوباره ایشان را تغییر دادند؛ ایشان چرا نباید رئیس دفتر رئیس جمهور می‌شد؟ ایشان چرا نباید معاون اقتصادی رئیس جمهور می‌شد؟ وی افزود: آقای جلیلی فرمودند که ایشان مسئولیت گریز بود. بله یکی از ویژگی‌های آدم حسابی‌ها این است که شو نمی‌کنند، خودشان را مطرح نمی‌کنند، ولی آیا نباید یک سیستمی آنها را بشناسد، آنها را پیدا کند؟ آنها را مجبور بکند که تو باید این مسئولیت را قبول کنی؟

چرا امثال خالدي‌ها در سیستم ماندگار نمی‌شوند؟!

محمد مهدی رحیمی، از محققان کتاب «جولان جوانمرد» نیز در سخنانی در این مراسم بیان کرد: ثبت تاریخ شفاهی دکتر خالدي را چهار روز بعد از درگذشت ایشان به تأیید دکتر سعید جلیلی، شروع کردیم. در واقع ایشان این مسأله را به دوستانمان معرفی کرده بودند. مصاحبه با دوستان مرحوم خالدي مثل کار کردن با ایشان واقعا سخت بود؛ همان فرار از دوربین و فرار از صحبت کردن کار ما را خیلی سخت می‌کرد. با همه این سختی‌ها کار شیرینی بود؛ اما بار اصلی روی دوش آقای زمانیان قرار گرفت که لطف کردند مسیر را ادامه دادند و شاید اگر ممارست ایشان نبود، کار به این نقطه نمی‌رسید.

محمد علی زمانیان، نویسنده کتاب «جولان جوانمرد» نیز در پایان این مراسم در سخنانی گفت: با بیش از ۵۰ نفر از دوستان و نزدیکان و خانواده آقای خالدي مصاحبه کردیم و خاطرات و گفته‌هایشان را ثبت و ضبط کردیم.

وی ادامه داد: آقای ضیغمی می‌گفتند من قبل از انقلاب ده سال در وزارت بازرگانی بودم، بعد از انقلاب هم در وزارت بازرگانی بودم و به جرأت می‌گویم که هیچ مدیری مثل آقای خالدي، به پاک‌دستی و کارآمدی و تعهد ایشان ندیدم. نگاه ما به این سمت رفت که اصلاً چطور می‌شود یک مدیر اگر می‌خواهد به معنای واقعی کلمه یک مدیر انقلابی باشد، آن ساختار و اطرافیان‌ش را چطور می‌چیند و رفتار خودش چطور خواهد بود که اصلاً این امید را ایجاد نکند که بخواهند با او لابی کنند، بخواهند به او پیشنهاد بدهند. دقیقاً از همین ناشی می‌شود که آن جمعی که در مجلس لابی کردند و اسم ایشان را از وزارت بازرگانی خارج کردند، از همین جهت بود که هیچ امیدی نداشتند که اگر آقای خالدي بیاید هیچ‌گونه لابی و مذاکره و اهرم فشار و این‌طور چیزها در ایشان کارگر نیست.

نویسنده کتاب «جولان جوانمرد» عنوان کرد: زندگی آقای خالدي از دو جهت قابل بررسی است؛ یکی از این جهت که خود رفتارها و خاطرات ایشان الگوی بسیار خوبی از جهت مدیریت و مدیریت انقلابی است. این نکته خیلی مهمی است که آدم‌ها از هر طیف سیاسی، به این نکته اذعان داشتند که ایشان پاک‌دست و موفق بود.

آیین رونمایی کتاب «جولان جوانمرد»؛ تاریخ شفاهی دکتر احمد خالدي با حضور دکتر سعید جلیلی، محمد علی زمانیان، محمد مهدی رحیمی عوامل کتاب و همچنین خانواده و همکاران مرحوم خالدي در خانه اندیشه‌ورزان برگزار شد.

بهترین دوره وزارت نفت در دوران آقای خالدي

خانم فرنگیس قاسمی، همسر مرحوم خالدي در سخنانی در این برنامه عنوان کرد: موضوعی که از دکتر خالدي در کنار خاطرم باقی مانده، این است که در طول این مدت ۳۹ سال زندگی، «صداقت» ایشان در کنار علاقه مفرطی که به انقلاب، امام و مقام معظم رهبری داشتند، بسیار زیاد بود و از دیدگاه من یک ارزش است. زیرا خود من نیز با ایشان هم‌نظر و هم‌عقیده بوده‌ام و همواره شاهد تلاش و زحمت ایشان بودم. به همین دلیل بسیار خوشحال بودم و از خداوند سپاسگزارم که چنین همسری به من هدیه کرد.

وی افزود: مرگ ایشان شوک بزرگی برای من بود و اصلاً برآیم باورپذیر نبود. ولی در روز تشییع جنازه ایشان، قرار شد در آمبولانسی که جسد ایشان را به بهشت زهرا منتقل می‌کرد، ایشان را همراهی کنم. در آنجا به لطف خدا احساس کردم که نباید این حالت را داشته باشم و با خود گفتم به جای این که غصه بخورم، هر چند غصه اجتناب‌ناپذیر است، ولی آن حالت ناشکری که پیدا کرده بودم، همان جاز خداوند طلب عفو کردم و گفتم به جای این من باید شکرگزار باشم. وی یادآور شد: قبل از این که این کتاب را بخوانم می‌گفتم اگر مملکت ما صد تا از مدیران اینچنینی را داشت، به گلستان تبدیل می‌شد هرچند که در حال حاضر هم به لطف خداوند بسیاری از مدیران گمنام هستند که با وجود آنان، بسیاری از مشکلات مملکت به باری خداوند برطرف شده است و انشاء... به قله پیروزی برسیم.

اهمیتی برای نیروی انسانی

خانم فاطمه مشایخی، از همکاران مرحوم خالدي در وزارت نفت و از روایان کتاب نیز در سخنانی در این مراسم عنوان کرد: بنده ۴ سال خدمت آقای دکتر بودم و چیزهای زیادی از ایشان آموختم. یکی از مسائلی که همیشه مدنظر ایشان بود، بحث آموزش و اهمیت بود که به نیروی انسانی می‌دادند. وی افزود: زمانی که آقای دکتر از شورای امنیت با حفظ سمت به وزارت نفت آمدند، با توجه به حساسیت شورای امنیت، در روزهای اول همکاران کمی تردید داشتند که آیا می‌توان راحت با ایشان کار کرد؟ با گذشت زمان، شاید کمتر از ۱۰ روز پس از آن که بارو حیه ایشان آشنا شدیم دیدم تک‌تک همکاران را جذب خود کردند و همگی از این که چنین مدیر لایقی برمسند سمت معاونت امور بین‌الملل قرار گرفتند، جزو افتخارات‌شان قرار دادند.

مشایخی ادامه داد: بنده هم با توجه به شرایط کاری که داشتم ابتدا رئیس دفتر ایشان و پس از آن با تصمیم ایشان، مدیرکل شدم، ایشان مسیر بالندگی و رشد را برای تک‌تک کسانی که در معاونت بین‌الملل بودند، لحاظ می‌کردند، به طوری که همه از مدیران وزارت نفت شدند و با بسیاری از این افراد به سازمان‌های دیگر رفتند و در رده‌های بالاتر به کار گرفته شدند که همگی تلاش جناب آقای دکتر بود.

چرا آقای خالدي نباید معاون رئیس جمهور می‌شد؟!

در بخش دیگری از این برنامه دکتر محمدرضا یاورزاده، همکار مرحوم